



آموزش مهارت حل مسئله بین فردی بر افزایش مهارت‌های اجتماعی و کاهش مشکلات رفتاری دانش آموزان دیرآموز



یکی از زمینه‌های مهم رشد برای کودکان کم توان ذهنی، حوزه مهارت‌های اجتماعی **ارتباطات بین فردی** است، توانایی و تمایل به **تعامل اجتماعی** تقریباً به همه جنبه‌های زندگی شخص نفوذ میکند، اما به طور خاص طی سالهای مدرسه، هنگامی که کودکان زمان زیادی را با همسالان میگذرانند، اهمیت بیشتری دارد **نقص در مهارت‌های اجتماعی** یک مؤلفه مهم **ناتوانی هوشی** است و دانش آموزان کم توان ذهنی در معرض این خطر هستند که در میان همسالان جایگاه اجتماعی پایینی داشته باشند زیرا که محدودیتهای شناختی موجب ناآگاهی از **چگونگی رفتار** در **موقعیتهای اجتماعی گوناگون** میشود. اغلب دانش آموزان کم توان ذهنی خفیف، رفتارهای اجتماعی **ناپخته‌ای** از خود نشان میدهند که حاصل فقدان توانایی آنها در **کنترل هیجانات** است. دانش آموزانی که رفتارهای ناپخته دارند، در برابر **ناکامی تحمل اندکی** دارند و فعالیتهای اجتماعی را به گونه‌ای نامناسب انجام میدهند. برای تعامل، کودک باید بتواند **موقعیتهای و مشکلات اجتماعی را به طور مناسب تفسیر** کرده و برای مواجهه با موقعیت مورد نظر راهبرد مقبولی را انتخاب و آن را اجرا کند. در واقع از توانایی و مهارت حل مسئله بهره مند باشد.

نقایص مربوط به حل مسئله از ویژگیهای معمول تعدادی از دانش آموزان دارای ناتوانی است اغلب این دانش آموزان در **تشخیص و حتی درک وجود مشکل** دشواریهایی دارند. دانش آموزان کم توان ذهنی در مواجهه با موقعیتهای مشکل و در تعمیم شیوه‌های مختلف رفتاری دشواریهایی دارند و اغلب یک سبک رفتاری **آشناتر و آسانتر** را انتخاب میکنند.



در بررسی حل مسئله اجتماعی گزارش کردند که کودکان کم توان ذهنی در تفسیر هدف موقعیتهای اجتماعی، در مقایسه با همسالان عادی، دقت کمتری دارند و راه حل های خصمانه بیشتری را به کار میبرند.

همچنین، راه حل های جرأت مندانه را کمتر به کار میبرند و بیشتر به راه حل های قدرتی متوسل میشوند. پس آموزش جرات مندی و حل مساله برای آنها بسیار مهم می باشد .

کودکان بدون اکتساب این مهارتها دچار ناکامی و سرخوردگی میشوند. این ناکامی، کودکان را در چرخه تعاملهای اجتماعی نامطلوب، احساسهای نامناسب و مشکلات رفتاری قرار میدهد.

مقیاس مورد استفاده :

به منظور ارزیابی ، مقیاس های درجه بندی مهارتهای اجتماعی گرشام و الیوت (1990) فرم والد و معلم و همچنین ثبت مشاهدات سیستماتیک به کار برده می شود .

روش های آموزش :

برنامه به دو مقوله عمده تقسیم میشود: پیش مهارتهای حل مسئله و مهارتهای حل مسئله.

حل مسئله میان فردی برای کودکان به **چهار واحد** تقسیم میشود.

هر واحد به یکی از موارد زیر توجه دارد:

1- مفاهیم پیشنیاز شناختی و زبانی (مانند «مشابه -متفاوت»، «اگر - پس»، «بعضی - همه»)

2- شناسایی احساسات (مانند خوشحالی، غم)

3- مهارتهای حل مسئله (مانند 1-تعریف وفرمول بندی مساله 2- تولید و خلق راه حل های مختلف از طریق

بارش فکری، 3- شناخت و ارزیابی پیامدها بررسی معایب و محاسن هر راه حل . با استفاده از برگه ارزیابی راه

حل ها 4 - به کارگیری راه حل / همتا کردن راه حل های مختلف با پیامدها و ارزیابی و بازنگری



4 - **محواره** (یعنی، به کارگیری گامهای حل مسئله از طریق مجموعه سؤالات پی در پی که توسط والدین یا معلم ارائه میشود).

در سراسر برنامه **سرمشق دهی، ایفای نقش، بحث و دیگر فعالیتهای کاربردی** وجود دارد.

اول - برنامه حل مسئله به کودکان راههای صحبت راجع به دیدگاهشان درباره مشکلات و درست اندیشیدن درباره آنها را یاد میدهد. در آموزش مهارتهای حل مسئله، توجه عمدتاً به **پردازش فکر** است تا بر پیامدها یا رفتار خاصی که نتیجه میشود.

دوم، به کودکان آموزش داده میشود که برای حل مسائل میان فردی از رویکرد گام به گام استفاده کنند. معلم از بیاناتی استفاده میکند که توجه را به **جنبه های معینی از مسئله** و گامهایی هدایت میکند که به **راه حل های مؤثر** منجر میشود.

سوم، درمانگر از مهارتهای حل مسئله به طور فزاینده ای در **موقعیتهای واقعی زندگی** استفاده میکند،

چهارم، معمولاً درمانگر در درمان **نقش فعال** دارد. او فرایندها را از طریق خودبیانیهای کلامی سرمشق دهی میکند، خودبیانیها را به طور متوالی برای مسئله خاصی به کار میبرد، نشانه هایی را فراهم می آورد که استفاده از مهارتها را تسریع میکند و برای استفاده صحیح از مهارتها **بازخورد** و **تشویق تدارک** میبندد.





در تعداد عمده ای از راهبردها تأکید بر آن است که به کودک آموزش داده شود تا **نظر اشخاص دیگر را درک کند**. آموزش دیدن در توانایی درک نظرات دیگران، اغلب بخشی از رویکرد جامع مهارتهای حل مسئله است.



برنامه حل مسئله میان فردی بر این عقیده استوار است که باید به کودکان آموزش داد که چگونه فکر کنند. (شور و اسپيواك) عقیده دارند که توانایی فکر کردن آرامش هیجانی را میسر میکند، بنابراین، از بدکارکردی روانی جلوگیری میکند و سلامت روانی را افزایش میدهد

آموزش حل مسئله، دانش آموزان دارای ناتوانی را به شناخت مشکلات و راه حل های ممکن قادر میکند.

در واقع در آموزش مهارتهای حل مسئله، بخش **فرونتال مغز** (مرکز تفکر و تصمیمگیری) بر سیستم **لیمبیک** (بخشی که مسئول هیجانات است) مسلط میشود و به این ترتیب، **کنترل هیجانات** از جمله خشم بهتر انجام میشود. به همین دلیل حل مسئله یکی از شیوه های مفید برای خویشنداری است. همچنین دانش آموزان دارای ناتوانی برای آموزش به زمان کافی با فرصتهای مکرر برای تمرین هدایت شده از جمله **بازی نقش و حل مسئله گروهی**، نیاز دارند تا به فراگیری مهارت و کاربرد حل مسئله در موقعیتهای مختلف منجر شود.

با در نظر گرفتن جلسات تکرار و مرور، استفاده از داستانها، بازی نقش، ارائه موقعیتهای مختلف به صورت سناریو همراه با تصاویر و بحث و گفتگوی گروهی ..



پیشنهاد میشود که مهارتهای حل مسئله را به عنوان مداخلات **مدرسه محور** در نظر گرفت تا دانش آموزان، معلمان و خانواده ها را تحت پوشش قرار دهد.

استفاده از **والدین** يك امر منطقي است، چرا که بسیاری از **مشکلات رفتاری** کودکان در خانه و در **ارتباط با والدین** ظاهر میشود. به علاوه مهارتهای حل مسئله که والدین برای حل مسائل خود با کودکان استفاده میکنند و روش تعامل آنها با کودکانشان، با مهارتهای حل مسئله و رفتار کلاسی کودک مرتبط هستند بنابراین، **آموزش والدین** برای تعامل به نحوی که مهارتهای حل مسئله را بهبود بخشد، میتواند **اثرات مثبتی** هم بر **والدین** و هم **کودک** داشته باشد.

برگه تمرین

• موقعیت :

• راه حای ممکن :

نتایج ممکن :

-1

-1

-2

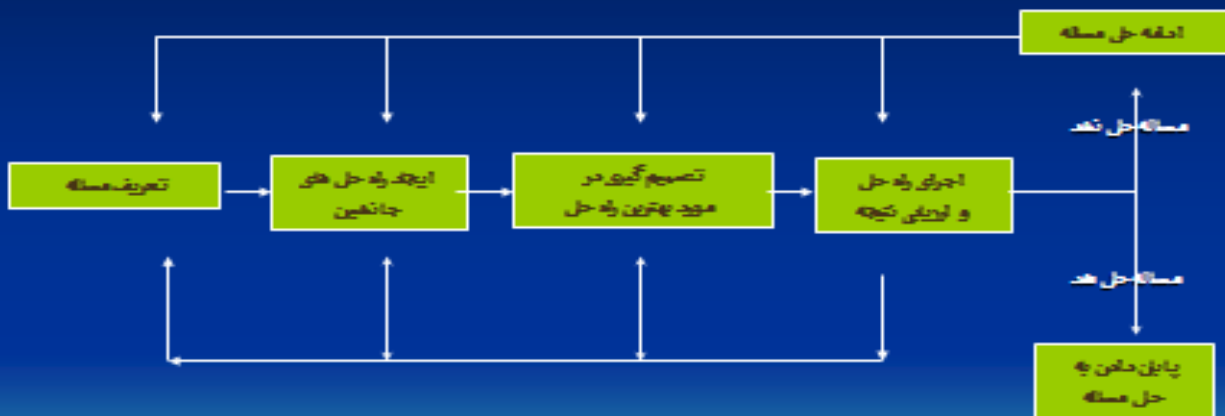
-2

-3

-3

• تصمیم من :

قرائند حل مساله



مریم جمالی

روانشناس کودک و نوجوان

